

مسئله تاریخ‌گذاری کتیبه شماره سه پهلوی ساسانی دربند

داغستان (قفقاز)

سیروس نصراله‌زاده*

دانشیار پژوهشکده زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

یاسر ملک‌زاده

دانش‌آموخته دکتری تاریخ ایران باستان دانشگاه تهران

(از ص ۲۱۳ تا ۲۳۲)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/۱۰؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۲/۱۵

علمی-پژوهشی

چکیده

کتیبه‌های دربند از مهم‌ترین کتیبه‌های ساسانی هستند. این کتیبه‌ها بر دیوار دفاعی دربند نوشته شده‌اند. استحکامات دفاعی دربند قفقاز دارای دیوارهایی است که برای دفاع در برابر تهاجم اقوام چادرنشینی که معمولاً در بالادست مرز قفقاز ساسانی ساکن بودند، ساخته شده بود. از وظایف مهم ساسانیان در برابر هجوم این اقوام، در درجه اول ایجاد دیوار دفاعی و ارتقاء کیفیت و استحکام آن و در مرحله بعد نگهداری و مرمت آن بوده است. در پژوهش‌های موجود تاریخ‌گذاری مراحل ساخت دیوار دربند ساخت محل بحث پژوهشگرانی است که در این حوزه پژوهش کرده‌اند. در برخی از بخش‌های این دیوار کتیبه‌هایی به خط و زبان پهلوی ساسانی به نگارش درآمده است. از ۳۲ کتیبه دربند، کتیبه شماره ۳ دربردارنده اهمیت تاریخی است؛ بر این کتیبه عددی مذکور است که به نظر به یک سال با مبدأیی مبهم اشاره دارد. در قرائت این عدد و همچنین مبدأ احتمالی آن نظریات گوناگونی ارائه شده است. نگارندگان مقاله حاضر پس از بررسی نظریات مختلف، به این نتیجه رسیده‌اند که منظور از عدد موردنظر سال ۳۷ بوده است. با توجه به شواهد تاریخی ارائه‌شده در متن مقاله و آگاهی ما از شیوه سال‌شمار شاهی ساسانی که مبدأ آن سال‌های جلوس پادشاهان مختلف ساسانی بوده است، نگارندگان حدس می‌زنند که مبدأ سال‌شمار سال ۳۷ مذکور در کتیبه، جلوس خسرو اول ساسانی به سلطنت بوده است. با پذیرش این پیشنهاد می‌توان ادعا کرد که زمان نگارش این کتیبه تاریخ‌دار، سی‌وهفتمین سال جلوس خسرو انوشیروان به سلطنت برابر با ۵۶۸-۵۶۹ م بوده است.

واژه‌های کلیدی: خط پهلوی، خسرو اول، سال ۳۷، کتیبه شماره ۳، دربند.

۱. مقدمه

مجموعه کتیبه‌های دربند، سند شمالی‌ترین قلمرو نفوذ زبان و ادبیات پهلوی ساسانی‌اند که از منابع مهم بررسی تحول زبان‌های ایرانی در قفقاز از آغاز حکومت خسرو اول ساسانی (۵۳۱-۵۷۹م) تا دوران معاصرند (Gamzatov, 1993: 568 & Kettenhofen, 1994). تمرکز اصلی این پژوهش بر بررسی کتیبه‌ای موسوم به کتیبه شماره ۳ دربند است. سال نقر این کتیبه در متن ذکر شده است، اما در قرائت آن اتفاق نظر وجود ندارد.

۲. دربند و دیوار آن

در متون تاریخی به چهار دیوار دفاعی ساسانیان اشاره شده است: ۱. دیوار گرگان؛ ۲. دیوار تمیشه؛ ۳. دیوار تازیکان در عراق^۱ و ۴. دیوار دربند.^۲ تنها راه‌های ارتباطی شمال به جنوب قفقاز دو گذرگاه اصلی آن (داریال^۳ و دربند) است. از مسیر این گذرگاه‌ها بود که اقوام مهاجم به مناطق شمالی ایران حمله می‌کردند. قفقاز دست‌کم از زمان تأسیس سلسله ساسانیان بخشی از خاک ایران قلمداد می‌شد و رسماً تا پیش از پایان جنگ‌های ایران و روس در دوره حکومت قاجار، بخشی از خاک ایران بود، اما از این زمان به‌عنوان یک جغرافیای سیاسی خارج از حوزه ایران معرفی شد.^۴ به‌لحاظ زبانی، منطقه قفقاز چندزبانه و مختلط است؛ گروه‌های زبانی قفقازی یا ایبری‌قفقازی، ترکی، هندواروپایی و زبان و برخی گویش‌های ایرانی کهن با جمعیت محدود در این منطقه رواج دارند.^۵ در منابع ارمنی، شهر دربند «چور» (Čor) یا «چوغ» (Čoŋ) خوانده شده است (Kettenhofen, 1994). در قرن ۱۱م موسی داسخورانی (Movsēs Dasxuranc'i) در هر دو شکل ارمنی حالت تصریفی فاعلی و اضافی این واژه (Čoŋay/Čoray) را آورده است (Dowsett, 1961: 87, 91, 105 & 257). در متون متعدد بیزانسی^۶ تلفظ چور در حالت‌های مختلف صرفی به اشکال تزور (Tzour)، تزون (Tzon) و زورو (Zōarou) آمده است. در ترجمه یونانی کتاب^۷ آگاتانگوس (Agatangeghos)، مورخ ارمنی، این نام به شکل چورای (Čoray) و در متن ارمنی چور آمده است (Thomson, 1976: 37). در وقایع‌نامه میخائیل سریانی (Michael the Syrian)، (Marquart, 1903: 489; Altheim) and Stiehl, 1958: 110)، طورایی (Tūrāyē) و در متون عربی^۸ به شکل صول (Sūl) است. نام دربند مرکب از دو واژه «در» (Dar) به معنای «در، دروازه» و «بند» (band) به معنای «بسته‌شده، سد»، نخستین‌بار در قرن هفتم میلادی در کتاب جغرافیای نویسنده ارمنی، آنانیا شیراکی (Ananiaširakač'i) به خود شهر اطلاق شده است (Kettenhofen, 1994). مورخان عرب این شهر را «باب و الابواب» (Bābwa'l-Abwāb)،

«باب الابواب» (Bāb al-Abwāb)^۹ یا به طور مختصر «باب» نامیده‌اند،^{۱۰} اما منظور از «در آلانان» مذکور در کتیبه شاپور در کعبه زردشت^{۱۱} داریال بوده و ارتباطی با دربند ندارد (Huysse, 1999: 2/25f & Kettenhofen, 1994: 15). قفقاز علاوه بر استحکامات در آلانان (داریال) و دیوار آن، بر سر دره‌ای به همین نام^{۱۲} که قدمت آن به دوره پیش از ساسانی می‌رسید^{۱۳} دارای استحکامات سرزمین دربند (داغستان کنونی) شامل دو شهر بارودار «سغدبیل»^{۱۴} و چور بود. هر دو شهر صاحب استحکامات و دیوارهایی شدند؛ چور بعد از ساخت استحکامات به دربند مشهور شد (شهبازی، ۱۳۸۹: ۵۳۳). دربند دوره ساسانی، گذر باروداری به پهناي سه تاسه و نیم کیلومتر در پای کوهی بود که ایرانیان آن را قاف^{۱۵} می‌نامیدند (همان: ۵۳۳). این شهر به لحاظ مرکزیت نظامی، اداری و تجاری در عصر ساسانیان بسیار مهم بود و براساس کتیبه‌های آن مقام «آمارگر آذربادگان»^{۱۶} در این شهر اقامت داشت. یک دیواره سنگی معروف به «دیوار بلند مرزی» (Limes Caspius) در دوره متاخر ساسانی جایگزین دیوار خشتی ساخته شده در زمان یزدگرد دوم (۴۳۹-۴۵۷ م) شد (Kettenhofen, 1994, Gadjiev, 2016). ساسانیان در میانه قرن ششم میلادی برای جلوگیری از حملات فزاینده هونها و سابیرها (Sabir) و خزران، سعی کردند مجموعه دفاعی عظیمی در مسیر ورودی آنها ایجاد کنند. ابن فقیه تعدادی از این سازه‌های دفاعی را نام برده است (۱۸۸۵: ۲۹۱). گذشته از افسانه‌هایی که در *دربندنامه* (تألیف ۱۲۶۲ق) درباره بنای دیوار^{۱۷} و تحکیم^{۱۸} آن توسط پادشاهان کیانی آمده است (وزیراف، ۱۳۸۶: ۹، ۱۳ و ۱۶)، سه مرحله ساخت برای دربند شناخته شده که تا زمان پایان حکومت خسرو اول (۵۳۱-۵۷۹م) ادامه داشته است؛ مرحله اول را کودریاوتسف مربوط به سال‌های ۴۳۹-۴۵۰م و دوره یزدگرد دوم (۴۳۸-۴۵۷م) یا زمانی بین دوره حکومت وی و قباد (۴۹۸-۵۳۱م) دانسته است که دیوار گل-آجری به عرض ۸ و ارتفاع ۱۶ متر برافراشته‌اند (Kudryavtsev, 1976: 87-92).^{۱۹} طبق *وقایع‌نامه کرخای بیت سلوخ* (*Chronicle of Karkā de Bēi Selōk*)، یزدگرد دوم در زمان مقابله با ترکان چول در سال هشتم حکومتش شهرستان یزدگرد را بنا کرد. برخلاف نظر عده‌ای گاجیف و مارشاک این شهر را در «شهرگاه» (*Shehergah*) امروزی و سایت باستانی «توپراق قلعه» مکان‌یابی کرده‌اند.^{۲۰} گاجیف و کودریافتسف بنای توپراق قلعه را به یزدگرد دوم و دهه ۴۴۰م نسبت داده‌اند (Kudriavtsev, 1978: 243-57 & 1979: 31-43). این سازه‌های منتسب به یزدگرد دوم، در نوع خود قدیم‌ترین سازه‌های ساسانی در قفقاز هستند (Gadjiev, 2006, : 25-27). گاجیف با استناد به

گزارش پریسکوس (Priscus, 1870: Fragmenta 8: 312) دلیل اقدام به بنای این استحکامات را مشاهدات و اطلاعات ساسانیان از تحریکات هون‌ها به سرکردگی آتیلا (۴۳۴-۴۵۳م) و تلاش او برای نفوذ به داخل ایران‌شهر در این زمان دانسته است (Gadjiev, 2017a). در ۴۴۲م یزدگرد دوم و بیزانسی‌ها معاهده صلحی را امضاء کردند که سال‌های زیادی (تا ۵۰۲م) پایدار ماند. طبق مفاد این معاهده امپراتوری بیزانس تعهد کرد که سالانه در ازای نگهداری و پاسداری ایرانیان از در آلانان (داریال) معادل طلائی حدود ۱۶۰ کیلوگرم پرداخت کند (Theophanes, 1839: 18-26 & 207). پرداخت این مبلغ نه تنها برای تأمین حقوق سربازانی که از گذرگاه پاسداری می‌کردند، بلکه برای برافراشتن سلسله‌ای از استحکامات جدید به‌عنوان لایه دوم دفاعی در قفقاز شرقی انجام می‌شد؛ یعنی ساخت دیواری بلند در قلعه دربند و شهرستان یزدگرد (توپراق‌قلعه فعلی) (Gadjiev, 2017a). در زمان حکومت پیروز (حدود ۵۰۳م) هون‌های سابیر به رهبری امبزوک (Ambazuk) دربند را اشغال کردند (Kettenhofen, 1994). گویا ظهور اقوام سابیر و حملات مکرر آنان به داخل فلات ایران، لزوم تسریع در ساخت این سازه دفاعی عظیم را برای دربند، به‌عنوان سد دوم مقابله با مهاجمان در صورت عبور آنان از داریال، به ساسانیان گوشزد کرده است. با اینکه به‌نظر می‌رسد درگیری پیروز در شمال شرقی ایران و شکست او از هیاطله فرصت پیاپی این نقشه را به او نمی‌دهد، مورخان اسلامی ذکر کرده‌اند که پیروز در صول شهری بنا کرد و آن را «روشن پیروز» نامید (طبری، ۱۸۷۹: ۵۱۳؛ مجمل‌التواریخ، ۱۳۸۳: ۷۱ و اصفهانی، ۱۸۴۴: ۵۵). طبری می‌گوید: پیروز در ناحیه صول (احتمالاً منظور دربند است) و آلان (احتمالاً منظور داریال است) سازه‌هایی از سنگ ساخت تا آن اقوام نتوانند بر سرزمین‌های او دست پیدا کنند (۱۸۷۹: ۵۲۶). این نشان می‌دهد که خطر هجوم اقوام شمالی از قفقاز به قدری جدی بوده که پیروز با وجود گرفتاری‌هایش در شرق، باز هم از توجه به قفقاز غافل نشده است.

قباد اول (۴۸۸-۴۹۶م، ۴۹۸-۵۳۱م) در همان سال‌های نخست دوره اول فرمانروایی خود با سابیرهای مسلط بر داریال درگیر شد. به گزارش یوشع، قباد در سال ۴۹۲ به آنستازیوس (۴۹۱-۵۱۸م)، امپراتور وقت بیزانس، یادآور شد که رومیان مدت‌هاست هزینه نگهداری دربند داریال را به ایرانیان پرداخت نمی‌کنند و باید هزینه این نگهداری را از نو پرداخت کنند، اما این درخواست به بهانه‌ای رد شد (Wright, 1882: 1-3). قباد در دوره دوم فرمانروایی خود از ۵۰۳

تا ۵۰۷م، در شرایطی که هم‌زمان مشغول جنگ با رومیان بود دوباره به جنگ با هون‌ها/سابیرها رفت. پایان این دوره، آغاز دوران صلح او با بیزانس (۵۰۷م) است.^{۲۱} در ۵۰۵م، بیزانس در بحبوحه جنگ با ایران به قباد حدود ۳۶۰ کیلوگرم طلا داد؛ زیرا پس از تصرف آمیدا توسط ایرانیان، دربار بیزانس در یک توافق مقطعی این شهر را از ایرانیان بازخرید کرد (Procopius, 1914-1928: 1.9.4, 1.9.20 & Wright, 1882: sec. 81). در ۵۱۶-۵۱۷م، ایران در اتحاد با سابیر/خزران بود؛ اینان مرتب به سرزمین‌های آسیایی بیزانس از راه گذرگاه‌های کاسپی حمله می‌کردند (Gadjiev & Kasumova, 2006: 80-81; Gadjiev, 2008: 9-10; 2016). دیواره دفاعی بود. در دوران حکومت یوستینوس اول (۵۱۸-۵۲۷م)، جانشین آناستازیوس، یک دوره شرایط غیرجنگی بین ایران و بیزانس برقرار شد، اما از زمان جلوس یوستی‌نیانوس (۵۲۷-۵۶۵م) شرایط بازهم تغییر کرد. دوره دوم جنگ‌های قباد و رومیان از ۵۲۷م آغاز شد. این دوره از یک‌سو آغاز جنگ میان ایران و بیزانس (Schindel, 2013) و از سوی دیگر، کشمکش میان ایران و سابیرها بعد از حوادث ۵۲۲ م، یعنی کشته‌شدن زیلگیوین (Zilgivin)، شاه هون‌ها بود. به این ترتیب، سال‌های بین ۵۰۸ تا ۵۲۶م، سال‌های آرامش حکومت قباد است. در این زمان وی توانست دوباره بر مناطق قفقاز شرقی و دربند مسلط شود؛ این زمان می‌تواند زمانی مناسب برای ایجاد سازه‌های دفاعی باشد. نویسنده ارمنی، آنانینا شیراکی به وجود «دیوار بلند ابزودکواذ (MPers. *AbzūdKawād) که از مرداب‌های آلمینون (Alminon) تا دریا کشیده شده است»، اشاره کرده است. این دیوار ممکن است در همین زمان آرامش ساخته شده باشد. هدف از ساخت این دیوار در زمان قباد، باید جلوگیری از حمله گسترده سابیرها و دیگر اقوام بیابانی شمالی باشد و پول آن را هم احتمالاً از رومیان گرفته بود (Gadjiev, & Kasumova 2006: 80-81; Gadjiev, 2008: 9-10; 2016). ساخت «باب الابواب» را ابن فقیه به قباد نسبت داده و گفته است که پای باب الابواب خسروانوشیروان شهری ساخت که آن را «ابواب آلان» نیز می‌نامند (۱۸۸۵: ۲۷۷-۲۷۸). او در جای دیگر برآوردن استحکامات باب الابواب را به خسرو انوشیروان نسبت داده است (همان: ۲۹۱-۲۹۳). در سازه‌های دیوار قدیم غیلغی‌چای (Ghilghilchay, Gilgičay/Gilgičay) شواهدی وجود دارد که باعث شده است گاجیف ساخت آن را به سده ششم میلادی و دوره حکومت قباد اول منتسب کند. این مجموعه از زمان ارمیان (Eremyan, 1941: 35) منطبق بر بنای باستانی ابزودکواذ (*AbzūdKawād). یادشده در اثر مورخ ارمنی آنانینا شیراکی

دانسته شده و مورد پذیرش بسیاری قرار گرفته است. گاجیف تاریخ دقیق‌تر بنا را در زمانی بین ۵۰۸ تا ۵۲۲ م قرار داده است؛ دورانی که از سویی ایران و بیزانس در شرایط صلح به‌سرمی‌بردند و هون‌های سابیر شمال قفقاز نیز در این زمان، نه‌تنها در شرایط صلح با ساسانیان قرارداداشتند، بلکه متحد آنان در برابر تحریکات بیزانسی‌ها محسوب می‌شدند (Gadjiev, 2017b). در ادامه ساخت‌وسازها در ناحیه صول (دربند) و آلان (داریال) که طبری آغاز آن را به پیروز نسبت داده است، قباد پس از پدر، سازه‌های بسیار دیگری نیز در این دو منطقه ساخت (طبری، ۱۸۷۹: ۵۲۶).

بیشتر مورخان مسلمان، از جمله بلاذری (۱۸۶۶: ۱۹۴، ۲۰۴ و ۲۰۷-۲۰۹)، مسعودی (۱۸۶۱-۱۸۷۷: ۲/۲، ۳، ۷، ۷۲، ۷۴ و ۳۸/۴)، ابن‌خردادبه (۱۹۶۷: ۱۲۳) و حمزه اصفهانی (۱۸۸۴: ۵۷) نیز ساخت سازه دفاعی دربند را به خسرو اول (۵۳۱-۵۷۹ م) نسبت می‌دهند. کتیبه کوفی تازه یافت‌شده در دربند که مربوط به سال ۱۷۶ق/۷۹۲ م است، ساخت دژ دربند را به کسرا/خسرو نسبت می‌دهد (Gadjiev, 2016). طبق گزارش ظهیرالدین مرعشی دژ دربند توسط حاکم شهر و نرسه پسر جاماسب،^{۲۲} جانشین خسرو اول ساخته شده است (۱۳۴۵: ۷-۸). مشابه همین روایت را علی گیلانی آورده است (۱۳۵۲: ۳۲). در زمان خسرو میان ایران و بیزانس دو صلح برقرار شد و دو جنگ در گرفت؛ نخستین صلح مربوط به مذاکراتی بود که در اواخر عمر قباد شروع شده بود. قباد در ۵۳۱ م درگذشت، اما گفت‌وگوهای صلح در زمان خسرو ادامه یافت و تا ۵۳۲ م که قرارداد قطعی صلح بسته شد، با افت‌وخیزهایی تداوم یافت؛ این صلح «صلح جاودان» نام گرفت، اما تنها هفت سال تداوم یافت. اولین جنگ در سال‌های ۵۴۰ تا ۵۶۲ م شعله‌ور شد و امپراتور معاصر خسرو در این جنگ یوستینیانوس بود. پیامد این جنگ‌ها تسخیر انطاکیه توسط خسرو اول و برقراری صلح در ۵۶۲ م و پایان جنگی با عمر بیش از بیست سال بود. در این صلح هم مقرر شد تا پنجاه سال جنگی بین طرفین رخ ندهد، اما معاهده در سال ۵۷۲ م شکسته شد. دومین جنگ خسرو اول با یوستینیوس دوم در ۵۷۲ م آغاز شد و به‌رغم اینکه گفت‌وگوهای صلح در سال‌های پایانی زندگی خسرو ادامه داشت، این جنگ بعد از سال مرگ خسرو در ۵۷۹ م نیز تا ۵۹۱ م تداوم یافت. دلیل آغاز جنگ نپرداختن باج، مطابق قرارداد ۵۶۲ بود. قرارداد صلح ۵۶۲ م بسیار مهم بود؛ براساس این پیمان صلح، روم متقبل شد سالانه سی‌هزار سکه طلا بدهد و طبق بند یکم این معاهده، ایران متقبل شد از گذرگاه‌های قفقاز در برابر اقوام هون و آلان‌ها و سایر بربرها محافظت کند. علاوه بر این باج از بیزانس،

خسرو در حملات خود به غرب و سرزمین‌های بیزانس توانست مقدار زیادی باج و خراج از سرزمین‌های تحت تصرف بستاند. در این زمان خسرو مواجه با حملات سخت خزران در قفقاز بود و توانست بر آنان چیره شود (شهبازی، ۱۳۸۹: ۵۴۲ و وینتر و دیگناس ۱۳۸۶: ۲۷، ۸۴ و ۱۲۱-۱۳۰). منطقه قفقاز برای این دو قدرت، هم زمینه دوردن اراضی طرف مقابل و هم به دست گرفتن تجارت آن را فراهم می‌کرد (ن.ک: وینتر و دیگناس، ۱۳۸۶: ۱۷۲-۱۷۹). خسرو انوشیروان شاید به همین دلیل اهمیت بسیاری به ناحیه خزر-آلان می‌داد و گفته شده است که حتی مرزبان یا شاه موروثی آنجا اجازه داشت بر تخت زرین بنشیند. خسرو پرویز نیز در زمانی که هنوز پادشاه نشده بود و شاهزاده‌ای بیش نبود، «آلان‌شاه» نامیده می‌شد و بنابراین، احتمالاً حکومت بخشی از قفقاز در این زمان به او سپرده شده بود (شهبازی، ۱۳۸۹: ۵۳۲). براساس خبر طبری، خسرو اول ساخت‌وسازی که پدربزرگش پیروز آغاز کرده و در زمان پدرش قباد ادامه یافته بود، را پیگیری کرد. برطبق گزارش طبری ساخت‌وسازهای خسرو در صول (در بند) و گرگان بود و اشاره‌ای به ساخت‌وسازها در داریال در زمان خسرو اول، برخلاف زمان پیروز و قباد نشده است. براساس گزارش طبری خسرو دستور داد در صول و گرگان شهرها، قلعه‌ها، دیوارها و بناهای بسیار دیگر بسازند (۱۸۷۹: ۵۲۶). در بندهش به سد کردن مسیر حرکت هیون توسط خسرو انوشیروان اشاره شده است (بهار، ۱۳۷۸: ۱۴۱؛ Pakzad, 2005: 368). به گزارش بلاذری خسرو اول برای ایجاد دفاع بیشتر در برابر مهاجمان و ایجاد دوستی با خاقان ترکان، با دختر این خاقان ازدواج کرد (۱۸۶۶: ۱۹۵). باوجود این، خسرو در حرکتی غافلگیرکننده دیواری از سنگ و سرب از دریا تا کوه به همراه دروازه‌های آهنین در مدخل ورودی ساخت. شهبازی تلاش کرده است تا نشان دهد منظور از خاقان، پادشاه خزران است و هرمز چهارم نوه دختری این خاقان است (Shahbazi, 2004 و ۵۴۹ و ۵۳۷: ۱۳۸۹).

۳. متن کتیبه سوم

حرف نویسی

1. ZNE W MN ZNE
2. 'pl
3. ŠNT 37
4. dlywš ZY
5. 'twrp'tkn
6. 'mkl
7. krtv

آوانویسی

1. ēnudazēn
2. abar
3. sāl 37
4. Dariuš ī
5. Ādurbādagān
6. Āmārgar^{۲۳}
7. kard

«این و از این بالا، سال ۳۷ داریوش آمارگر آذربادگان کرد.»

۴. تاریخ‌گذاری کتیبه شماره ۳

این کتیبه را سرهنگ بارتلمی (Bartholomei) فرانسوی (۱۸۱۳-۱۸۷۰م) (Gadjiev, 2016) و Khanykov, 1851) &. علاقه‌مند به آثار عتیقه، مجموعه‌دار و سکه‌شناس، در سال ۱۸۵۰ پیدا کرد.^{۲۴} بعد از قرائت درست عدد سال، مسئله نخست، یافتن مبدأ سال مذکور در کتیبه است. نیبرگ، نخستین کسی که بدین کتیبه‌ها پرداخت، آن را «سال ۷۰۰» خواند. او این سال را سال اشکانی فرض کرد و چون تاریخ تأسیس سلسله اشکانی ۲۴۷ پ.م است، نتیجه گرفت که سال ۷۰۰ برابر ۵۵۳ م است (Nyuberg, 1929: 29)؛ البته عدد صحیح از کسر ۲۴۷ از ۷۰۰، عدد ۴۵۳ است^{۲۵} و نه ۵۵۳؛ این ایراد را پاخامف در نقد کوتاه خود بر مقاله نیبرگ متذکر شد، وی عدد ذکرشده بر کتیبه را ۳۷ دانست (Pakhamov, 1930: 14-15). در آن زمان سال ۷۰۰ را بسیاری از محققان، از جمله هرتسفلد پذیرفتند، اما وی گاه‌شماری سال ۷۰۰ را تاریخ سنتی زردشتی فرض کرد و به عدد ۶۳۵ م رسید (۲۵۸ زمان زردشت تا اسکندر + ۲۶۴ بین اسکندر تا اردشیر اول = ۵۲۲ زمان به تخت نشینی اردشیر به تاریخ زردشتی. از طرف دیگر اردشیر طبق متون مسیحی در ۲۲۶ م به سلطنت رسیده است و چون میلاد مسیح ۲۹۶ سال بعد از زمان زردشت به‌وقوع پیوسته است (۲۲۶-۲۹۶) پس تاریخ سلطنت یزدگرد اول برابر است با ۳۹۹ م + ۲۹۶ = ۶۹۵ بعد از زردشت). هرتسفلد این تاریخ را برابر سال پنجم یزدگرد اول دانست (Herzfeld, 1947: 15). گروپ نیز همین عدد ۷۰۰ را پذیرفت، اما آن را منطبق بر گاه‌شماری با مبدأ سلوکی دانست و به عدد ۳۸۹ م (۳۱۲/۳۱۱ پ.م. مبدأ تاریخ سلوکی که اگر از ۷۰۰ کم شود، عدد ۳۸۹ م به دست می‌آید) رسید که در دوره پادشاهی سلطنت بهرام چهارم قرار دارد (Gropp, 1975: 317). اما سال سلوکی در ایران بیشتر در میان مسیحیان، به‌ویژه جامعه سریانی‌زبان رایج بود و ساسانیان به‌طور معمول مبدأ تاریخی را تاریخ جلوس پادشاه در نظرمی‌گرفتند (Gadjiev & Kasumova, 2006: 45)، احتمال اینکه در دوره متأخر ساسانی برای ثبت تاریخ بر دیواری حکومتی از مبدأ تاریخی سلوکی استفاده شود، بسیار بعید و حتی نامحتمل به‌نظر می‌رسد. اکثر محققان

معاصر معتقدند که این تاریخ باید یکی از سال‌های قرن ششم میلادی باشد و احتمالاً پادشاه سازنده بنا قباد یا خسروانوشیروان بوده است.^{۲۶} کودریافتسف تردید دارد که بتوان این مجموعه عظیم با دو میلیون متر مکعب سازه را در مدتی کوتاه ساخت؛ از این رو، معتقد است که تنها بخشی از آن و البته بخش اعظم این مجموعه در زمان خسرو اول ساخته شده است (Kudryavtsev, 1982: 95). براساس موقعیت سیاسی و نظامی منطقه و اعتقاد به درستی تاریخ ۳۷ در این کتیبه، آرتامنف نتیجه می‌گیرد که کارهای بنای دژ دفاعی در سال‌های ۵۶۲-۵۷۱م و در زمان خسرو اول انجام یافته است (Artamonov, 1946: 137). کاسوموا بر آن است که ساخت سازه دربرنده در زمان قباد، بلکه در زمان خسرو اول آغاز شده است نام «آمارگر آذربادگان» مذکور در کتیبه منتج از اصلاحات خسرو اول است زیرا از زمان خسرو اول در کنار آذربادگان، مناطق آلبانیا، ارمنیه و ایبری هم زیر نظارت این مرزبان درآمده است (Gadjiev&Kasumova, 2006: 49-56, Gadjev, 2016: 27). وی تاریخ حک شده بر کتیبه را مقارن با سال ۵۶۸م در حکومت خسرو اول می‌داند (Kasumova, 1988:94-95; 1994: 25). اگر این تاریخ، پایان مرحله اول و دوره نسبتاً کوتاه ساخت سازه باشد، پس دیگر انتساب آغاز ساخت بنا به قباد منتفی است. براساس مطالعات معماری، گاجیف بر آن است که مرحله نخست سازه، شامل دیوار شمالی و دژ، تنها در یک سال انجام شده است؛ از این رو، ساخت سازه دفاعی دربرنده شامل شهر دربرنده، دژ و دیوار شمالی و جنوبی و ۴۰ کیلومتر دیوار کوهستانی داغ‌باری زمان زیادی نبرده است و اگر سال ۳۷ این کتیبه، به پایان مرحله نخست اشاره داشته باشد، باید سال آغاز ساخت را یک سال عقب‌تر برد (Gadjiev & Kasumova, 2006: 83). عمودی بودن کتیبه‌ها در دربرنده امکان نقر آن‌ها در دوره خسرو اول را محتمل‌تر می‌کند. تا پیش از زمان حکومت خسرو اول نقر عمودی کتیبه‌ها سنتی رایج نبود (Gadjiev, 2016) و نیز تفضلی (۱۳۷۶: ۹۹). شیوه نگارش کتیبه‌ها نیز متاخر است. باتوجه به وجود اخبار متعدد در متون کهن درباره ساخت دیوار توسط خسرو اول و شواهد دیگر باستان‌شناسی و کتیبه‌شناسی محققان بسیاری تأیید کرده‌اند که کتیبه در زمان خسرو اول حک شده است. هنینگ مبدأ آغاز حکومت خسرو اول را پذیرفت؛ او سال ۲۷ را عدد حک شده بر دیوار دانست (Henning, 1958: 48-49). لوکونین با بیان اینکه خط این کتیبه‌ها شبیه سکه‌های خسرو اول است، ابتدا این عبارت را «سه‌دیگر» (sidīgar)، یعنی سال ۳ خواند و آن را سال ۵۱۵م دانست (Lukonin, 1969: 45, n. 23). اما بعد در دهه ۱۹۷۰ پس از انتشار مقاله خان‌ماگمدف (Khan-

Magomedov, 1979: 27)، قرائت سال ۱۷ سلطنت خسرو اول را پذیرفت. این نظر لوکونین را خان ماگمدف مردود دانست (Khan-Magomedov, 2002: 62). لوکونین مدتی بعد در دهه هشتاد در نقد مقاله کودریافتسف (Kudryavtsev, 1978: 256-257no.) (94 & 1982: 69) سال ۹ یا ۱۸ را پیشنهاد داد (برای کتاب‌شناسی نظریات متفاوت لوکونین ن.ک: 46: Gadjeiev, 2006). کودریافتسف سال ۳۷ و نیز سال‌های ۹، ۱۷ و ۱۸ را مورد توجه قرار داد و معتقد بود که کتیبه نه‌تنها در دوره قباد و خسرو اول، بلکه می‌تواند در دوره حکومت خسرو دوم نیز نقر شده باشد (Kudryavtsev, 1978: 256-257) (94-95 & 1982: 94-95). دو سکه طلایی از خسرو (اول یا دوم؟) موجود است که عبارتی مشابه بر یکی از آنها آمده است. بر روی این سکه تصویر نیم‌تنه شاه از روبه‌رو حک شده و در سمت راست واژه «خسرو» و سمت چپ واژه «ابزون» نوشته شده است. در پشت این سکه تصویر ایستاده و از روبه‌روی شاه حک شده و در سمت چپ عبارت «۳۴ خسرو» و در سمت راست عبارت «خسرو بی‌بیم/ بدون ترس کننده گیهان»^{۲۹} آمده است. هرتسفلد (1974: 15) و شیندل (2006) و برخی دیگر محققان براساس روایت بندهش که پیش‌تر ذکر شد، این خسرو را همان خسرو اول دانسته‌اند، اما به‌جهت مشابهت تصویر روی سکه با خسرو دوم، محققانی دیگر مثل پاروک (1924: 107, 273) و هویزه (2006: 188) آن را متعلق به خسرو دوم دانسته‌اند. اگر روایت بندهش را بپذیریم و نیز با توجه به تاریخ آن، یعنی ۳۴ که نزدیک به تاریخ ۳۷ کتیبه دربند است، به‌نظر می‌رسد انتساب به خسرو اول صحت بیشتری داشته باشد. همچنین براساس همین روایت بندهش، این عبارت برای دشمنان شرقی ایران آمده و نه رومیان. پیش‌تر قرائت پاخامف نیز براساس روایات منابع دوره اسلامی که این سازه را مربوط به دوره خسرو اول و قباد دانسته‌اند، عدد ۳۷ بود. او این عدد را سال ۳۷ حکومت خسرو اول، یعنی سال ۵۶۸م دانسته بود (Pakhomov, 1929: 10). کاسوموا نیز به تبعیت از پاخامف در قرائت اول خود سال ۳۷ را پذیرفته بود (Kasumova, 1979: 123-124; 27 & 1994: 94-95 & 1988). اگر بپذیریم که این رقم به زمان حکومت خسرو اول مربوط است، این پرسش پیش می‌آید که داده‌های تاریخی قرائت کدام عدد کتیبه را که نمایانگر یکی از سال‌های سلطنت خسرو اول است، تایید می‌کنند؟ اعداد پیشنهادی ۳، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۷ و ۳۷ هستند. سال ۳ برابر ۵۳۴-۵۳۵م، سال ۹ برابر ۵۴۰-۵۴۱م، سال ۱۷ برابر ۵۴۸-۵۴۹م، سال ۱۸ برابر ۵۴۹-۵۵۰م، سال ۲۷ برابر ۵۵۸-۵۵۹م، سال ۳۷ برابر ۵۶۸-۵۶۹م است. میان سال ۵۳۱م، سال جلوس خسرو به تخت و ۵۴۹-۵۵۰م،

وقایع مهمی رخ داده است: اولین مسئله، پرداخت‌های خارجی بود؛ ایران شهر در شرایطی قرار داشت که از سال‌ها پیش از زمان حکومت پیروز و قباد موظف به پرداخت باج به هیاطله بوده است. این پرداخت‌ها بنا بر گواهی سکه‌ها تا سال دهم سلطنت خسرو اول، یعنی تا ۵۴۱-۵۴۲م ادامه داشت. هرچند این مسئله در شرایط صلح نمی‌تواند مانع پیشرفت کارهای عمرانی و ساخت دیوار شود، اما مسلماً پیشرفت سریع در اجرای پروژه‌ها مستلزم تأمین مالی است و نبود بودجه لازم برای تهیه مصالح و حقوق کارگران مسلماً اگر موجب توقف پروژه نشود، از سرعت ساخت‌وساز خواهد کاست. در زمان قباد بخشی از بدهی به هیاطله، احتمالاً از طریق باج دریافتی از رومیان تأمین می‌شده است، اما این پرداخت‌ها از ۵۲۶م قطع شده بود و ایران و بیزانس تا ۵۳۱م، در حالت آتش‌بس بودند. مسئله دوم، مشکلات داخلی اوایل حکومت خسرو اول است؛ طبق گزارش پروکوپیوس (Procopius, 1914-1928: 1, 21) از میان سه فرزند قباد که نامزد جانشینی او بودند، قانون کاوس را برای جانشینی قباد به رسمیت می‌شناخت، اما قباد علاقه‌ای به وی نداشت.^{۳۱} از طرفی جاماسب (جم) بسیار موردعلاقه مردم بود. طرفداران برادران خسرو پس از نشستن وی بر تخت، مشکلاتی برای او ایجاد کردند. خسرو اول در دهه‌های نخستین حکومت خود کاملاً درگیر شورش و توطئه برادران و اشراف بوده است و لذا در این زمان، امکان رسیدگی دقیق به مسئله قفقاز، کمتر از هر زمانی بوده است و از سوی دیگر، زمینه برای هزینه‌های زیاد ساخت این مجموعه دفاعی فراهم نبوده است. در سال‌های ۵۳۱، ۵۴۵، ۵۵۰ و ۵۵۲ یوستینیانوس حدود پنج‌هزار و ۱۰۸ کیلوگرم طلا به ایران داد (Gadjiev & Kasumova, 2006: 95). این پرداخت‌ها بنا بر گزارش پروکوپیوس در سال ۵۳۱ به میزان ۳,۶ تن (Procopius, 1914-1928: 1, 22, 1-10)، سال ۵۴۰ به میزان ۱۳۰ کیلوگرم (و پنج تن نقره)^{۳۲} سال ۵۶۴ به میزان ۱۶۲ کیلوگرم (Ibid: 2, 26-27) و سال ۵۴۵ تا ۵۵۰ به میزان ۶۵۰ کیلوگرم بوده است (Ibid: 2, 28, 1-22). مطابق قرارداد صلح ایران و بیزانس در سال ۵۶۱م، ایران ۹۵۵ کیلوگرم طلا و در سال ۵۶۸-۵۹۰ حدود ۴۱۰ کیلوگرم طلای دیگر دریافت کرده است و این بیشترین میزان دریافتی ساسانیان بعد از سال ۵۳۱م از بیزانس است. از این‌رو، آغاز ساخت مجموعه دفاعی سنگی دربند و اتمام مرحله نخست آن (دژ و دیوار شمالی) می‌تواند در حدود سال‌های ۵۶۸-۵۶۹م بوده باشد که وضعیت سیاسی و نظامی مطلوب ساخت چنین سازه‌ای بود (Gadjiev, 2008: 1-16). در ۵۵۸م سابیرها، دشمن بالقوه ایران و متحد روم، به قفقاز حمله کردند. این سال نیز سال نبرد بزرگ خسرو اول در سواحل

کاسپی بود که طبری هم به آن اشاره کرده است. طبری گزارش مفصل‌تری درباره حمله موفقیت‌آمیز خسرو اول به سرزمین خزران، یعنی سواحل شمال غربی دریای کاسپی می‌دهد (طبری، ۱۸۷۹: ۵۷۰).^{۳۳} او این گزارش را در بین گزارش نبرد خسرو با بیزانس و خسرو با هفتال‌ها در سال ۵۶۲ آورده است که با توافق صلح پایان یافت. وجود این گزارش قبل از گزارش جنگ با هفتال‌ها و بعد از گزارش نبرد خسرو با بیزانس در تاریخ طبری، این گزارش به ما اجازه می‌دهد که زمان نبرد را در سال‌های ۵۶۱-۵۶۲ و به احتمال بیشتر در آغاز ۵۶۲ بدانیم. این درست زمان بعد از فتح «ورچان» (Burjan/Wirzan [=Iberia]) است. احتمالاً خسرو در بازگشت دستور ساخت دیوار دربند/باب را داده است. دور از تصور نیست که نبرد نظامی ایران علیه اقوام قفقاز شمالی در اواخر دهه ۵۵۰ و آغاز ۵۶۰م، که باعث ایجاد صلح و آرامش شده بود، زمینه‌ساز ساخت سازه‌های دفاعی در قفقاز شرقی، یعنی مجموعه دفاعی دربند شده باشد. اگر این پیش‌زمینه را بپذیریم گاه‌نگاری آرتامنوف، یعنی ۵۶۲-۵۷۱ به واقعیت نزدیک‌تر به نظر خواهد رسید (Artamonov, 1962: 34). پول ساخت این سازه از معاهده صلح با بیزانس در سال ۵۶۱ فراهم شده بود؛ زیرا روم متعهد بود سالانه ۱۳۶۰ نیم کیلوگرم سکه طلا برای یک دوره پنجاه‌ساله به ایران بدهد. براساس مفاد این معاهده، ایران در سال‌های ۵۶۱-۵۶۷ حدود ۹۵۵۰ نیم کیلوگرم طلا و در سال ۵۶۸ حدود ۴۰۹۰ نیم کیلوگرم طلای دیگر دریافت کرد که بخش زیاد آن برای ایجاد این دژهای دفاعی صرف شد. هفت سال بعد از دریافت این مبلغ احتمالاً مرحله نخست ساخت مجموعه دفاعی دربند ساخت دیوار شمالی و دژ به پایان رسیده است؛ لذا مرحله اولیه ساخت باید سال‌های ۵۶۸-۵۶۹ مقارن با سال سی‌وهفتم سلطنت خسرو اول تاریخ‌گذاری شود.

۵. نتیجه

احتمالاً پایان ساخت دیوار دربند متعلق به دوره خسرو اول است. از میان پیشنهادهای موجود درباره متن کتیبه شماره ۳، عدد ۳۷ مورد پذیرش واقع شد. در میان پادشاهان متأخر ساسانی سه نفر هستند که بیش از ۳۷ سال سلطنت کرده‌اند: قباد اول، خسرو اول و خسرو دوم (۵۹۱-۶۲۸م). از این سه تن با توجه به اینکه سال سی‌وهفتم سلطنت خسرو اول، هم‌زمان با سال مرگ او نیز هست و نیز تا مدت‌ها قبل از مرگ خسرو، آتش فتنه و اختلاف داخلی در ایران شعله‌ور بوده است و اینکه در متون تاریخی اشاره‌ای به عملیات ساخت‌وساز او در قفقاز نداریم، این گزینه‌ای مردود در نظر گرفته

می‌شود. نفر دوم، قباد است که سال ۳۷ سلطنت او نمی‌تواند سال مناسبی برای عملیات ساخت‌وساز در دربند قفقاز باشد. برطبق نتایج باستان‌شناسی، بارویی که بر دیوارش این خط آمده، متعلق به اواخر دوره خسرو اول است. از سوی دیگر، نام صاحب‌منصبی که در کتیبه آمده است، متعلق به یکی از بزرگان دوره خسرو اول است که دست‌کم قدرت‌ش را از اواسط دوره خسرو اول به‌عنوان سپاهبندی یکی از کوست‌ها به دست‌آورده است. تقسیم‌بندی کوست‌های چهارگانه در اوایل حکومت خسرو اول رخ نداده و لااقل این تقسیم‌بندی از دوران سرکوب‌های مخالفان و گروهی که مزدکی نامیده شده‌اند، آغاز شده بود و لذا می‌توان آن را به دوره دوم حکومت خسرو متعلق دانست. آمدن نام «آمارگر آذربادگان» منتج از اصلاحات خسرو اول است. اگر حکومت خسرو را براساس مشغله‌های سیاسی و نظامی او طبقه‌بندی کنیم، او در دهه نخست حکومت خود، سرگرم سرکوب برادران و مخالفان خویش بوده است. بعد از آن هم از ۵۴۰ تا ۵۶۲م، او درگیر دوره اول جنگ خود با رومیان در زمان یوستینیانوس بود که بیش از بیست سال طول کشید. ضمن اینکه در همین سال اخیر، پیروزی بزرگ خسرو بر خزران به دست آمده است و بعید نیست که خسرو با وجود دستیابی به این موفقیت، همان‌طور که از یک پادشاه و فرمانده بزرگ جنگی چون او انتظار می‌رود، دریافته است که خطر حمله شمالی‌ها با این پیروزی رفع نشده و چنین پیروزی‌هایی هرچند هم بزرگ باشند، موقتی‌اند. به‌این ترتیب، دوراندیشی خسرو او را واداشته که از شرایط ایده‌آل بعد از جنگ استفاده کند و در فاصله استراحت سپاهیان‌ش در زمان صلحی که بین دو جنگ بزرگش با رومیان قرار گرفت و حدود ده سال طول کشید (۵۶۲-۵۷۲م)، با سرعت به عملیات ساخت‌وساز در منطقه دربند پردازد. نزدیک‌ترین سال خوانده شده در کتیبه به سال ۵۶۲م، سال سی‌وهفتم حکومت خسرو، معادل سال ۵۶۸-۵۶۹م است؛ در نتیجه می‌توان ادعا کرد که حدود شش سال پس از پایان جنگ اول ایران و بیزانس در ۵۶۲م و سه سال قبل از جنگ خسرو با یوستین دوم (۵۶۵-۵۷۴م) امپراتور جدید بیزانس این کتیبه نوشته شده و در طی این شش سال، عملیات ساخت‌وساز در دربند تا ۵۷۲م که دومین دوره جنگ‌های خسرو با رومیان آغاز می‌شود، با سرعت پیگیری می‌شده است. خط کتیبه نیز مربوط به دوره گذار از الفبای کتیبه‌ای به الفبای متصل پهلوی ساسانی در نیمه دوم ساسانی است؛ به‌این ترتیب، به دلایل باستان‌شناسی، تاریخی و خط‌شناسی، تاریخ‌گذاری نهایی نگارندگان بر کتیبه شماره ۳ در این پژوهش سال ۵۶۸-۵۶۹م است.

پی‌نوشت

۱. دو سازه از این سه سازه دفاعی بزرگ مرزی که ساسانیان ساختند، در مرز شمال شرقی به نام «دیوار اسکندر» معروف بود که تا مرو ۲۵۰ کیلومتر طول داشت و سومی در مرزهای میان‌رودان برای جلوگیری از حملات رومیان و اعراب بود (Harmatta, 1996: 80 & Frye, 1977: 7-15).
۲. دو سلسله از استحکامات، اولی دیوار بزرگ در گرگان برای مقابله در برابر هیاطله و بعدها ترکان و دومی، دیوار بزرگ در قفقاز در برابر خزران، مشهورتر از بقیه بودند و مورخان دوره اسلامی مثل بلاذری (۱۸۶۶: ۱۹۴، ۲۰۴، ۲۰۷ و ۲۰۹) و مسعودی (۱۸۶۱-۱۸۷۷: ۲/۲، ۳، ۷، ۷۲، ۷۴ و ۳۸/۴) هم بدان اشاره دارند.
۳. این گذرگاه که در شمالی‌ترین بخش قفقاز و منطقه‌ای دوردست‌تر از دربندی قرار داشت که بعدها ساخته شد، پیش از دوره ساسانیان ساخته شده بود و دست‌کم از دوره اشکانی برای ما شناخته شده است (Tacitus, 1906 6.33.3 & Pliny, 1961: 6.12). درباره آن‌ها و حملات آنان از داریال به داخل فلات ایران در دوره اشکانی ن.ک: (Rawlinson, 1873: 291-292 & 319-321).
۴. برای بحث جامع درباره وضعیت جغرافیایی و اقلیمی ن.ک: (Thorez, 1990).
۵. برای تأثیر زبان‌های ایرانی بر زبان قفقازی ن.ک: (Thordarson, 1990).
۶. برای کتاب‌شناسی ن.ک: (Kettenhofen, 1994).
۷. ن.ک: (Lafontaine, 1973: 178-79).
۸. مثلاً طبری، ۱۸۷۹: ۵۲۶.
۹. امام شوشتری معتقد است «باب‌الابواب» محصول حذف حرف وصل «و» از عبارت است. این حذف توسط مورخان مسلمان، موجب این شبهه شده که تصور شود باب‌الابواب اشاره به یک در است، درحالی‌که منظور از «باب» همان دربند معروف به «در آهنین» و «ابواب» دروازه‌های دیگری است که در قفقاز برای جلوگیری از هجوم اقوام چادرنشین برپا شده است (ن.ک: امام شوشتری، ۱۳۴۷: ۷۲۳-۷۲۴).
۱۰. ن.ک: (البلاذری، ۱۸۶۶: ۱۹۴، ۲۰۴، ۲۰۷ و ۲۰۹ و مسعودی، ۱۸۶۱-۱۸۷۷: ۲/۲، ۳، ۷، ۷۲، ۷۴ و ۳۸/۴).
۱۱. در کتیبه شاپور در روایت ساسانی BBA l'n'n' و در روایت اشکانی TROA l'nn'، و در روایت کتیبه کرتیر بر کعبه زردشت به صورت BBA l'n'n' آمده است. در آلانان منسوب به آلان‌ها، یکی از اقوام چادرنشین است که از زمان‌های پیش از تأسیس سلسله ساسانی در ماوراء قفقاز ساکن بودند. درباره مساکن آلان‌ها ن.ک: (Müller, 1861: Dionysius, Periegetes. : xxvff. Pliny, 1961:) 6. 12 & 25; Josephus, 1961, The Jewish War: 7.7.4; Ptolemy, 1932 : ii. 14, iii. 5, vi. 14; Seneca, 1917: Thyestes. 630; Marcellinus, 1936: 31.2. 21, Rawlinson, (1873: 291 12. Georgian: დარიალისხეობა, (DarialisKheoba); Russian: Дарьяльскоеушелье, (Dar'yal'skoyeushchel'ye).
۱۲. درباره محل دقیق این دیوار و در آنکه به در آهنین و در آلانان معروف بود، در محدوده مرزی گرجستان و روسیه ن.ک: (Chisholm, 1911: 832).
۱۴. برای ریشه‌شناسی نام این شهر ن.ک: (Minorsky, 1930: ۱۳۸۹: ۵۳۳)

۱۵. شهبازی روشن نکرده که منظور از کوه قاف دقیقاً کدام کوه است. کپکوه/Kapkoh/کافکوه Qāfkōh/قفقاز Caucasus ن.ک: (Hübschmann, 1897: 45. 87). درباره کوه قاف ن.ک: (مجمعل التواریخ، ۱۳۸۱: ۴۶۹-۴۹۷).
۱۶. برای وظایف آمارگر به اختصار ن.ک: (MacKenzie & Chaumont, 1989).
۱۷. ساخت بنا به لهراسب شاه نسبت داده شده است. پیش از دریندنامه در نزهتنامه علائی هم بنای دیوار دربند به او منسوب شده است (شهمردان بن ابی‌الخیر، ۱۳۶۲: ۳۱۲).
۱۸. تحکیم بنا به بهمن اسفندیار و اسکندر منسوب است. ابن‌خردادبه (۱۹۶۷: ۱۶۲-۱۶۳) و مقدسی با استناد به ابن‌خردادبه ساخت این سد را به اسکندر منسوب می‌نماید (۱۸۷۷: ۳۶۱). نویسنده مجمعل التواریخ سد اسکندر (۱۳۸۱: ۴۹۰-۴۹۳) را غیر از بند «باب الابواب» می‌داند که خسرو انوشیروان بنا کرده است (همان: ۷۶).
۱۹. در زمان حکومت یزدگرد دوم در سال ۴۵۰م، شورش ارامنه و آلبانی‌های قفقاز سیستم دفاعی و دژ را ویران کرد. در زمانی که ساسانیان درگیر نبرد با رومیان و یا هیاطله در مرزهای شرقی خود بودند، قبایل شمالی موفق به هجوم به قفقاز شدند (Kettenhofen, 1994).
۲۰. برای توضیحات مفصل‌تر و بررسی ویژگی‌های سازه‌های این شهر ن.ک: (Gadjiev, 2017a).
۲۱. در ۵۰۲ م جنگ بین روم و ایران به همین دلیل آغاز شد و تا سال ۵۰۶ که صلح هفت‌ساله آغاز شد، ادامه یافت (Procopius 1914-1928: 1.9.24 & Wright, 1882: sec. 98). طبق قرارداد، قرار شد صلح تا هفت سال ادامه بیابد، اما عملاً صلح تا ۵۲۸ م. تداوم پیدا کرد. در این فاصله، قباد بعد از مرگ امبروک موفق شد داریال که از زمان پیروز از تصرف ایرانیان خارج شده بود، را دوباره تصرف کند (Procopius, 1914-1928: 1.10). این گزارش نشان می‌دهد همچنان که ایرانیان نگران حملات گاه‌وبی‌گاه هون‌ها به قفقاز و داخل فلات ایران بودند، هون‌ها نیز نگران زمانی بودند که شاهنشاه ایران توان و فرصت قدرت‌نمایی در مقابل آنان را پیدا می‌کرد؛ به‌این‌ترتیب، آنان نیز متحمل حملات ایرانیان در آن‌سوی دروازه‌های داریال شده‌اند.
۲۲. جاماسب (۴۹۶-۴۹۷م) برادر قباد که مدتی نیز پادشاه بود؛ ن.ک: (Choksy, 2012).
۲۳. در یازده کتیبه دیگر دربند واژه «آمارگر» به‌صورت m'kl آمده است؛ استثناء در کتیبه شماره ۳ است که به قیاس، این کتیبه را تصحیح کرده‌ایم.
۲۴. پیش‌تر در زمان پتر اول تزار روسیه و در طی اردوکنشی به سرزمین‌های ساحلی دریای کاسپی (۱۷۲۲-۱۷۲۳) این کتیبه توسط پرنس کاندیمیر (۱۶۷۳-۱۷۲۳) شناسایی و معرفی شده بود (Cantemir, 1883: 13-18, 20-21 & 26; see also: Fraehn, 1828, no. 21 & 1846: 297-323).
۲۵. در این سال یزدگرد دوم حکومت می‌کرد.
26. Trever, 1959: 350, 353, Artamonov, 1962: 137; Lukonin, 1969: 45, n. 23; 1983, p. 683; Gignoux, 1976: 304-305; Kasumova, 1979: 123-24; 1987: 94-95.
۲۷. برای ناحیه آذربادگان براساس مهرها و اثرمهرها ن.ک: (Gyselen, 2017).
۲۸. آرتامنف و کاسوموا هم‌نظر با پاخامف سه‌دیگر را قرائتی اشتباه دانستند: (Kasumova, 1979: 123, fn. 70).
29. hswlwdygyh'n 'pybymklt'l/ Husrōgēhānabēbīmcardār

۳۰. وی نخستین کسی بود که چنین قرائتی داشت. سابقه قرائت‌های پیش از او در همین منبع آمده است.

۳۱. کاووس موردحمایت مزدکیان بود. در گزارش تئوفانس از مزدکیان سخنی نیست و طرفداران او مانوی نامیده شده‌اند. کیست که نداند در هنگام دشمنی با گروهی، تهمت زندقه زدن به آنان بسیار آسان است. احتمالاً طرفداران خسرو از مانوی نامیدن طرفداران کاووس هدفی سیاسی و نه دینی دنبال می‌کردند. در گزارش تئوفانس کاووس نه با نام، بلکه با لقب خود، یعنی پتشیخوارگر معرفی شده است. نویسنده متن، کاووس را پسر سوم قباد دانسته است (Theophanes, 1997: 259-260).

۳۲. خسرو در طی نبردهای سال‌های ۵۴۰ و ۵۴۴، از شهرهای بیزانسی حدود ۳۳ کیلوگرم طلا و ۵ تن نقره گرفته بود.

۳۳. طبری در اینجا جنگ خسرو با خزران را در سال‌های پایانی حکومت خسرو انوشیروان قرارداده است (۱۸۷۹: ۵۷۰). دینوری از پدیدارشدن شغال در عراق در اواخر عمر خسرو انوشیروان خبر داده است که موجب هراس و تعجب مردمان ایران‌شهر شده بود. این شغال‌ها به گزارش دینوری از سرزمین ترکان آمده بودند (دینوری، ۱۳۷۹: ۷۴)؛ این می‌تواند نشانه تهدید ایران‌شهر توسط ترکان در این زمان باشد، هرچند در گزارش دینوری این نشانه به گونه‌ای دیگر تعبیر شده است (ن.ک: همان).

منابع

- ابن خردادبه، *کتاب المسالك و الممالک*، ویرایش دخویه، لایدن، بریل، ۱۹۶۷.
- ابن‌القیه، *مختصر کتاب البلدان*، ویرایش دخویه، لایدن، بریل، ۱۸۸۵.
- البلادری، *کتاب التقویم البلدان*، جلد ۳، ویرایش دوخویه، لایدن، بریل، ۱۸۶۶.
- المقدسی، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، تصحیح دخویه، لایدن، بریل، ۱۸۷۷.
- تفضلی، احمد، *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، به کوشش ژاله آموزگار، تهران، سخن، ۱۳۷۶.
- حمزه اصفهانی، *تاریخ سنی ملوک الارض الانبیاء*، ویرایش گوتوالد، لایپزیگ، ۱۸۴۴.
- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود، *الاخبار الطوال*، تحقیق عبدالمنعم عامر، قم، شریعت، ۱۳۷۹.
- امام شوشتری، محمدعلی، *فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان عربی*، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۷.
- بهار، مهرداد، بندهش، اثر فرنیغ دادگی، گزارنده مهرداد بهار، تهران، توس، ۱۳۷۸.
- شهبازی، علیرضا شاپور، *تاریخ ساسانیان؛ ترجمه بخش ساسانیان از کتاب تاریخ طبری و مقایسه آن با تاریخ بلعمی*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۹.
- شهردان بن ابی‌الخیر، *نزهت نامه علائی*، به تصحیح فرهنگ جهانپور، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۲.
- طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الطبری المعروف بتاریخ الامم و ملوک*، لایدن، بریل، ۱۸۷۹.
- گیلانی، علی، *تاریخ مازندران*، به کوشش منوچهر ستوده، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲.
- مجمّل‌التواریخ و القصص، تصحیح محمدتقی بهار، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۸۳.
- مرعشی، میرسید ظهیرالدین، *تاریخ طبرستان و رویان و مازندران*، به کوشش محمدحسین تسبیحی، با مقدمه محمدجواد مشکور، تهران، شرق، ۱۳۴۵.
- مسعودی، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ترجمه باریبه دومنار و پاوه دو کورتیه، پاریس، ۱۸۶۱-۱۸۷۷.

وزیراف، میرزااحیدر، *دریندنامهٔ جدید*، به کوشش جمشید کیانفر، با همکاری نوری محمدزاده، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۶.

وینتر، انگلبرت و دیگناس، بناته، *روم و ایران دو قدرت جهانی در کشاکش و همزیستی*، تهران، فرزانه روز، ۱۳۸۶.

Altheim F. & Stiehl, R. "Michael der Syrer über das erste Auftreten der Bulgaren und Chazaren," *Byzantion* 28, pp.105-118, 1958.

Artamonov M.I. "Drevnii Derbent" (Ancient Darband), *Sovetskaya arkhéologiya* 8, pp. 121-44, 1946.

Artamonov M.I. *Istoriya Khazar*. (History of Khazar), Leningrad, 1962.

Cantemir, D. "Collectanea Orientalia (III. Ex eiusdem Demetrii Cantemirischedis Manuscripts)," *Operele principelui Demetriu Cantemir publicate de Academia Romana*, VI, Bucuresti, 1883.

Chisholm, H. ed. "Darial". *Encyclopædia Britannica*. 7 (11th ed.). Cambridge University Press. p. 832, 1911.

Chokcy, J. K. "Jāmāsp i. Reign," *Encyclopædia Iranica*, XIV/5, pp. 453-454, available online at <http://www.iranicaonline.org/articles/jamasp-i-reign> (accessed on 30 December), 2012.

Dowsett C. J. F. *The History of the Caucasian Albanians by Movsēs Daxsuranc'i*, London Oriental Series 8, London, Oxford University Press, 1961.

Eremyan, S. T. "Syuniya i oborona Sasanidamikavkazskikh prokhodov" (Siwnik' and the Sasanians' defense of the Caucasian passes), *Izvestiya Arm. Filiala Akademii Nauk*, 1941/7, pp. 33-40, 1941.

Fraehn, C. "Die Inschriften von Derbend," *St.-Petersburgischen Zeitung*, no. 21, 1828.

Fraehn, C. "Die Inschriften von Derbend," B. Dorn, *Das Asiatische Museum der keiselerlichen Akademie der Wissenschaft zu St.-Petersburg*, St.-Petersburg, pp. 297-323, 1846.

Frye, R. N. "The Sasanian System of Walls for Defense," in M. Rosen-Ayalon, ed., *Studies in Memory of Gaston Wiet*, Jerusalem, pp. 11-12, 1977.

Gadjiev, M. S. "Issledovania syrtovoy fortifikatsii tsitadeli Derbenta sasanidskogo vremeni" (Investigations of the raw mud-brick fortification of Darband citadel of Sasanian period), in *Drevniaia i srednevekoiaia arkhitektura Dagestana* (Ancient and medieval architecture of Dagestan), Makhachkala, pp. 61-76, 1989.

Gadjiev, M. S. "On the Construction Date of the Derbend Fortification Complex," *Iran and the Caucasus*, 12/1, pp. 1-15, 2008.

Gadjiev, M. S. "Darband Epigraphy. Middle Persian Inscriptions," *Encyclopædia Iranica*, online edition, available at <http://www.iranicaonline.org/articles/darband-epigraphy-01> (accessed on 26 January 2016), 2016.

Gadjiev, M. S. "Šahrestān Yazdgerd," *Encyclopædia Iranica*, online edition, 2016, available at <http://www.iranicaonline.org/articles/sahrestan-yazdgerd> (accessed on 30 April 2017), 2017a.

Gadjiev, M. S. "Apzut Kawāt Wall," *Encyclopædia Iranica*, online edition, 2017, available at <http://www.iranicaonline.org/articles/apzut-kawat-wall> (accessed on 30 May 2017), 2017b.

Gadjiev, M. S & Kasumova, S. Yu. *Srednepersidskii napis Derbenta VI veka* (The Middle Persian Inscriptions of Darband, 6th century CE), Moscow, 2006.

- Gamzatov, G. G. "Dāgestān, i. Cultural Relations with Persia", *Encyclopedia Iranica*, available online at <http://www.iranicaonline.org/articles/dagestan#pt2>, (Last Updated: November 11, 2011), 1993.
- Gignoux, P. "Die Derbent-Inschriften und das AdurGušnasp," in *Monumentum H.S. Nyberg, I. ActaIranica*, 4, Tehran and Liège, 1975, pp. 317-20, 330-31" reviewed in *StudiaIranica*.5, p.304-305, 1976.
- Gropp, G. "Die Derbent-Inschriften und das AdurGusnasp" in *Monumentum H.S. Nyberg.I.(ActaIranica. 4)*. Tehran - Liège, , S. 317-331, 1975.
- Gyselen, R. "La notion sassanide du kust î Âdurbādāgān : les premières attestations sigillographiques", *Bulletin de la Société Française de Numismatique, Société française de numismatique*, pp..213-220, 2017.
- Harmatta, J. "The Wall of Alexander the Great and the Limes Sasanicus", *Bulletin Asia Institute*, Studies in Honor of Vladimir A. Livshits, pp. 79-84, 1996.
- Henning, W.B. "Mitteliranisch".*Handbuch der Orientalistik*.Abt. 1.Bd. IV. Leiden-Köln, 1958.
- Herzfeld, E. *Zoroaster and his World*. Vol. I. Princeton, 1947.
- Hübschmann, H. *Bibliothekindogermanischer Grammatiken. Band (6), Armenische Grammatik, von Heinrich Hübschmann. Thiel (1). Armenische Etimologie*. Leipzig, Breitkopf&Härtel, 1897.
- Huyse, Ph. "Die dreisprachige Inschrift Šābuhrs I. an der Ka'ba-I Zardušt(ŠKZ)", *Corpus Inscriptionum Iranicarum*, Part III, *Pahlavi inscriptions*, Vol. I, Band 1 and 2, London, 1999.
- Huyse, Ph. "Die sasanidische Königstitulatur: Eine Gegenüberstellung der Quellen," in Josef Wiesehöfer and Philip Huyse, eds., *Ērān ud Anērān: Studien zu den Beziehungen zwischen dem Sasanidenreich und der Mittelmeerwelt*, Beiträge des Internationalen Colloquiums in Eutin, 8-9, June 2000, Oriens et Occidens 13, Stuttgart, pp. 181-201, 2006.
- Josephus, F. *Josephus*, in 9 Vols., Vol. III: The Jewish war, Books IV-VII. with an English translation by H. St. J. Thackeray. London: William Heinemann, Cambridge, Massachusetts: Harvard University Press, 1961.
- Kasumova S.YU. "K tolkovaniyu sredne-persidskikh nadpisei iz Derbenta" (On the interpretation of the Middle Persian inscriptions from Darband), *VDI*, 1, pp. 113-26, 1979.
- Kasumova S.YU. "Novye nakhodki srednepersidskikh nadpisei v Derbente" (New discoveries of Middle Persian inscriptions in Darband), *VDI*, 1988/1, pp. 88-95, 1988.
- Kasumova S.YU. *Srednepersidskaya epigrafika Kavkazskoy Albanii* (Derbent). Goroda Irana, Baku, 1994.
- Kettenhofen, E. "Darband", *Encyclopedia Iranica*, available online at <http://www.iranicaonline.org/articles/darband-i-ancient-city>, Last Updated: November 15, 2011, 1994.
- Khan-Magomedov, S.O. *Derbent. Gornaiastena. Auly Tabasarana* (Darband. Mountain wall. The villages of Tabasaran), Moscow, 1979.
- Khan-Magomedov, S.O. *Derbentskaiakrepost' i Dagh-bary* (Darband fortress and Dagh-bary), Moscow, 2002.
- Khanykov, N.V. *Ocherkuchenoydeyatelnostina Kavkaze v 1850 g.* (Essay on the scientific activities in the Caucasus in 1850) Kavkaz.. № 25-29, 1851.
- Kudryavtsev, A.A. *Gorod, ne podvlastnyi vekam* (A city unconquered by the centuries), Makhachkala, 1976a.

- Kudryavtsev, A.A. "O datirovke pervykh sasanidskikh ukreplenii v Derbente" (On the dating of the Sasanian fortifications in Darband), *Sovetskaya arkhеologiya*, 3, pp. 243-58, 1978.
- Kudryavtsev, A.A. "«Dlinnyesteny» navostochnom Kavkaza" (The "long walls" in the eastern Caucasus), *Voprosy istorii*, 11, pp. 31-43, 1979.
- Kudryavtsev, A.A. *Drevnii Derbent* (Ancient Darband), Moscow, 1982.
- Lafontaine, G. *La version grecque ancienne du livre arménien d'Agathange*, Publications de l'Institut Orientaliste de Louvain 7, Louvain-la-Neuve, 1973.
- Lukonin V.G. *Srednepersidskiye nadpisi iz Kara-tepe* (Middle Persian Inscriptions from Kara-Tepe) *Buddiyskiye peshchery Kara-tepe v Starom Termeze*, 1969.
- MacKenzie, D. N & Chaumont, M. L. "āmārgar", *Encyclopedia Iranica*, Vol. I, Fasc. 9, pp. 925-926, available on line: <http://www.iranicaonline.org/articles/amargar>, (Last Updated: August 2, 2011), 1989.
- Marcellinus, Ammianus. *Rerum Gestarum*. With an English translation, by John C. Rolfe, Ph.D., Litt.D. Cambridge. Cambridge, Mass., Harvard University Press; London, William Heinemann, Ltd, 1936.
- Marquart, J. *Ost-europäische und ostasiatische Streifzüge*, Leipzig, 1903.
- Minorsky, V. "Transcaucasica," *Journal Asiatique*, CCXVII, pp. 41-112, 1930.
- Müller, C. *Geographi graeci minores* (Vol. 2). Paris, Didot, 1861.
- Nyberg H.S. "Materialy po istolkovaniyu pechleviiskikh nadpisei Derbenda" (Materials for the interpretation of the Pahlavi inscriptions of Darband), *Izvestiya obshchestva obsledovaniya i izucheniya Azerbaïdzhana* (Baku) 8/5, pp. 26-32, 1929.
- Pakhomov, E. A. "Pechleviiskie nadpisi Derbenda" (The Pahlavi inscriptions of Darband), *Izvestiya obshchestva obsledovaniya i izucheniya Azerbaïdzhana* 8/5, Baku, pp. 1-25, 1929.
- Pakhomov, E. A. "K istolkovaniyu pechleviiskikh nadpisei Derbenda" (On the interpretation of the Pahlavi inscriptions of Darband), *Izvestiya Azerbaïdzhanskogo naucho-issledovaniya Institut* 1/2, Baku, pp. 13-16, 1930.
- Pakzad, F. *Bundahishn: Zoroastrische Kosmologie und Kosmogonie, Kritische Edition Band I, Kapitel I*. In *Ancient Iranian studies series 2*. Tehran, Center for the great Islamic Encyclopaedia, 2005.
- Paruck, F., *Sāsānian Coins*, Bombay, 1924.
- Pliny, *Pliny Natural History*, Volume II, Books 3-7, H. Rackham ed., In *Loeb Classical Library*, Cambridge, Massachusetts, Harvard University Press, London, William Heinemann LTD, 1961.
- Priscus Panites, *Historici Graeci minores I: Fragmenta*, in Ludwig Dindorf, ed., Leipzig, pp. 275-352, 1870.
- Ptolemy, *Geography of Claudius Ptolemy*. Translated into English and edited by Edward Luther Stevenson, Ph.D., Litt.D., LL.D. (New York: The New York Public Library, 1932.
- Procopius, (1914-1928) *de Bellis*, H.B. (Henry Bronson) Dewing (tr.). William Heinemann; The Macmillan Co.; Harvard University Press. London; New York; Cambridge, 1914-1928.
- Rawlinson, G. *The sixth great oriental monarchy or the geography, history, and antiquities of Parthia: collected and illustrated from ancient and modern sources*. London, Longmans, Green & CO., 1873.

- Schindel, N. "Kosrow I iii. Coinage," *Encyclopædia Iranica*, online edition, 2016, available at <http://www.iranicaonline.org/articles/kosrow-i-iii-coinage>, 2006.
- Schindel, N. "Kawād I i. Reign," *Encyclopedia Iranica*, Vol. XVI, Fasc. 2, pp. 136-141, 2013.
- Seneca, *Seneca's Tragedies*. Vol. 2. Edited by Miller, F. J., Cambridge, Mass., Harvard University Press ; London : W. Heinemann. In Loeb classical library, 1917.
- Shahbazi, A. S. "Hormozd IV," *Encyclopedia Iranica*, available at <http://www.iranicaonline.org/articles/hormozd-iv>, 2004.
- Tacitus, *Annales ab excessu divi Augusti*. Tr. Fisher, C. D. Clarendon Press. Oxford, 1906.
- Theophanes, *Corpus Scriptorum Historiae Byzantinae 43: Theophanis Chronographia I*, ed. by J. Classen, Bonn, 1839.
- Theophanes, *The Chronicle of Theophanes Confessor, Bizantine and Near Eastern History AD 284-813*, tr. With introduction and Commentary by Cyril Mango & Riger Scott, With assistance of Geophrey Greatrex, Oxford, 1997.
- Thomson, R.W. *The History of Armenians* tr. and comm. R.W. Thomson., Albany, The state University of New York Press, 1976.
- Thordarson, F. "Caucasus and Iran, ii. Language Contact", *Encyclopedia Iranica*, vol. V, fasc. 1, pp. 92-95, available online: <http://www.iranicaonline.org/articles/caucasus-ii>, 1990.
- Thorez, P. "Caucasus and Iran, Physical Geography, Population, and Economy, I. Physical geography", *Encyclopedia Iranica*, vol. V, fasc. 1, pp. 84-91, available online: <http://www.iranicaonline.org/articles/caucasus-i>, 1990.
- Wright, W. *The Chronicle of Joshua the Stylite*, Composed in Syriac AD 507, tr. Wright. Cambridge University Press, 1882.